

"صلح"

کارآمدترین شعار

برای بسیج مردم است

مردم را از خطر جنگ و ضرورت صلح آگاه کنید

هیچ فرصتی را برای فتح کوچکترین روزنه‌ها نباید از دست داد. دوران ضربه زنده و انقلابی نمائی "تحریم انتخابات" و "خروج از حاکمیت" پشت سر مانده است.

طی ۲۷ سالی که از انقلاب ۵۷ و فروری نظام شاهنشاهی در ایران می‌گذرد، هرگز میهن همه ما، اینگونه در مخاطره نبوده است که اکنون هست. حاکمیتی ضعیف که در خواب و خیال قدرت نظامی و سرکوب امنیتی است و کشوری که از هر سو در محاصره است. در یک بازی اتمی حاکمیت را اروپا و آمریکا و روسیه و چین مثل توپ فوتبال به هم پاس می‌دهند و آمریکا در خط مقدم منتظر آخرین پاس برای فتح دروازه‌های کشور است. نه تنها ساختار حاکمیت منزوی شده از مردم دارای انسجام نیست، بلکه انسجام ملی نیز در ضعیف‌ترین موقعیت است. آمریکا چنان به آینده خود در ایران اطمینان دارد که با صراحتی کم نظیر می‌گوید هیچ عجله‌ای برای حمله به ایران نیست. آنها منتظر سقوط سبب به دامنی هستند که زیر درخت گرفته اند. می‌دانند و آنقدر عوامل و امکانات در حاکمیت ایران دارند که بدانند، حاکمیت نظامی به سیاست کنونی خود ادامه خواهد داد و تمام روزنه‌های مصالحه ملی را به روی خویش بسته است. آنها که با پرونده‌های قتل و جنایت و اعدام و توطئه قدرت را در جمهوری اسلامی قبضه کرده اند، چگونه می‌توانند اندیشه مصالحه را به سر راه داده و رفتن و مملکت را تحویل مردم دادن را به ماندن و فاجعه را کامل کردن ترجیح بدهند؟ مگر با سنگین‌ترین فشار اجتماعی و این یگانه روزنه امید نسبت به تحولات در ایران است. به همان اندازه که حاکمیت از این فشار اجتماعی و سازمان‌یابی جنبش تحول خواهی هراسناک است و با آن مقابله می‌کند، باید برای وارد کردن آن به حاکمیت و سازمان بخشی به آن همت کرد. وقتی محمدرضا باهنر، نایب رئیس مجلس هفتم و از جمله رهبران مقابله ۸ ساله با اصلاحات در دیدار و همایش هفته گذشته "جبهه موئلفه اسلامی، بنیاد رسالت و انجمن اسلامی مهندسان و تشکل‌های پیرامونی آنها" (زیر نام گمراه کننده "مجمع نیروهای خط امام") نگران از نتیجه انتخابات شوراها می‌گوید: "خدا آن روز را نیاورد که مخالفان ما بتوانند از حرکت ما در انتخابات دوره قبل شوراها درس گرفته و این انتخابات را ببرند!" وقتی شورای نگهبان و مجلس و دولت دست در دست هم انتخابات شوراها را می‌خواهند ببرند زیر نظارت استصوابی و همه سنگرها را حفظ کنند؛ باز هم نیاز است که گفته شود باید از هر موقعیت و شرایطی برای فتح کوچکترین سنگر به میدان آمد؛ یعنی درست خلاف آن نظر بسیار حیرت آور و البته ضربه زنده‌ای که برای یک دوران و به قلم عباس عیدی ورد زبان اصلاح طلبان شد و بخشی از سیاست به غایت مخرب "تحریم" ناشی از آن بود. سیاستی که انزوا و عقب نشینی جنبش در برابر امکانات را به همراه آورد و زمینه را برای قدم‌های بزرگ مخالفان اصلاحات و مجریان سیاست جنگی - اتمی کنونی هموار ساخت. نه تنها برای انتخابات شوراها، که حتی با همه آگاهی از نقش سلطنتی مجلس خبرگان، باید تدارک دید و حساسیت مردم را برانگیخت. از هر فرصتی برای بازگرداندن حساسیت‌های سیاسی مردم باید استفاده کرد و امروز هیچ خطری و هیچ انگیزه‌ای تهیج کننده تر از

مخالفت با جنگ و طرفداری از صلح نیست و با همین شعار باید مردم را علیه جنگ طلبان به میدان فراخواند و هر سنگر ممکن را فتح کرد. آنها که قدرت را در اختیار گرفته اند، بر خلاف آن تئوری بافانی که خروج از حاکمیت و تحریم انتخابات را یک حرکت انقلابی و اصلاحی می دانستند، خوب می دانند که قدرت حکومتی- دولتی را چرا و برای چه هدفی باید نگهداشت. آنها برای حفظ آن به هر مانوری که در تصور بگنجد دست خواهند زد و پیش از همه، روی فریب مردم، بی اطلاع نگهداشتن آنها و خریدن رای آنها حساب می کنند. چرا، که هنوز در جمهوری اسلامی هیچ چاره ای جز انتخابات نیست، مگر آنکه یکشنبه بتوانند بصورت کودتائی همه نهادهای موجود را جمع کرده و امور را به یک ستاد بسپارند. امری که هزینه های سنگینی در بر دارد و هنوز آمادگی آن بصورت کلاسیک نیست.

مردم را می توان با شعار صلح بسیج کرد، اما تا آنها عمیقا خطر جنگ و نتایج سیاست های جنگی حاکمیت را درک نکنند، ضرورت صلح و دفاع از آن را درک نخواهند کرد. به همین دلیل است که باید بی وقفه خطر امریکا و جنگ را گفت و نوشت. تمام کوشش حاکمیت برای بستن روزنه های خبری و اطلاعاتی مردم از بیم همین آگاهی است و تمام کوشش میهن دوستان، اصلاح طلبان و طرفداران تحولات بنیادین در ایران نیز باید معطوف به خنثی سازی همین حیل و نقشه حاکمیت باشد: افشای سیاست جنگ طلبی و جنگ طلبان، تکیه بر ضرورت صلح و پرهیز از جنگ و خونریزی و طرد جنگ طلبان حاکم.